



خیلواکی

استقلال

www.esteqaal.net

انارگل خوستی

چهارشنبه ۱۲ اگست ۲۰۲۶

آیا می توان در مقابل این بهتان تاریخی خاموشی اختیار کرد؟

یک اندازه امیدی از طرف قلم بدستان پیدا شد که در مقابل بهتان ها و تحریف تاریخ از طرف یک شخصی که خصومت و عقده های شخصی او از مدتهاست که وی را کر و کور ساخته و مانند یک مار زخمی تُو و پیچ می خورد تا حدی که از هیچ نوع جفا و تهمت حتی بر یکی از اعضای فامیل خود که دیگر در قید حیات نیست، نوار صوتی آماده می کند و در میدیای پرچمی ها آن را پخش می کند.

با این کار فکر می کند که خاک بر چشم مردم می زند و نتنها آتش عطش خصومت شخصی خود را خاموش می کند، بلکه خوش خدمتی ای کرده باشد برای حزب ناکام و تباه کنند افغانستان نیز. که حتماً با آن ها سر و سُرّی داشته و دارد.

یکی دو نفر دیگر که آن ها نیز مربوط به باند خلقی ها- پرچمی ها بودند، مانند همین آقا ملکیار که تا به حال به صورت نهفته اعمال خویش را پیش می بردند، اما در این اواخر شاید خواسته اند جُل شان را از آب بکشند. گر چه خود را تاریخ نویس قلمداد می کند، اما بگفته یک هموطن، جعلکار تاریخ اند، زمانی خواست از پوتین خونخوار قهرمان زمان بسازد که خوشبختانه در پوتین پروری ناکام شد.

حالا جهت خوش خدمتی به قاتلین اولین رئیس جمهور افغانستان شهید محمد داود خان با یک جعلکار دیگر دهن جوال را گرفته است.

نوار صوتی ای که توسط تلویزیون وابسته به بقایای حزب پرچم برای اذهان آن عده از جوانانیکه از موضوع آگاهی ندارند، پخش گردید را به دقت تمام شنیدم و عجبم از این آمد که هیچ کس متوجه سر تا پا غلط بودن این نوار نشد و حتی یک نفر بنام حشمت که به گمان اغلب خود آقای ملکیار است، چنین قلفله ها می کند:

من دوبار این نوار صوتی را شنیدم و به صراحت میگویم که در این ویدیو صحبت های گلالی جان صد فیصد از دهان و زبان خود آن مرحومه میباشد و هیچ نوع تقلب و جعل در آن موجود نیست. ممکن است

بعضی قسمت‌های نوار، در صورتی که با مزاج ناشر موافق نبوده یا تصور شده باشد که ما نباید آن بخش‌ها را می‌شنیدیم، حذف شده باشد.

در جای دیگر می‌نویسد:

ویدیوی که لینک آنرا در صفحه گذاشته اید بدقت شنیدم. بحیث یک فنی در امور اینترنت، open AI، Microsoft expert، software devloper خدمت شما عرض میداریم اینکه، این نوار کاملاً authentic بوده هیچ نوع دستکاری در آن صورت نگرفته است.

ویدیو ها، عکس و یا صدا را شما میتوانید با یک بررسی دقیق و فنی بسیار آسان دریابید که ویدیو ساخت هوش مصنوعی میباشد.

اختلال فکری گلالی جان، که نصیبه جان از آن صحبت میکند، چون یک چند روزی را با یک و دو روانشناس هم در ارتباط بودم، گفته میتوانم که هیچکدام درست نیست. کسیکه به اختلال فکری مبتلا باشد، هرگز نمی‌تواند وقایع را با چنین جزئیات بیان کند و تمامی لحظات نزدیک به مرگ را چنین در حافظه داشته باشد.

گلالی جان از کشته شدن سردار محمد داوود و سردار محمد نعیم در دقیقه 53 ذکر میکند که بالای آنها فیر شده و در میان این گلوله باران شهید شدند. کلاه قرقلی سردار محمد داوود در نزدیک جسدش بر زمین افتاده بود، به قول گلالی جان.

گلالی جان به وضاحت بیان میدارد، که ویس داوود به قتل رسانیدن افراد فامیل خود و دیگران را با کلشینکوف که در دست داشت آغاز نموده بود، لیکن چون از بیرون همچنان فیر میشد او در هنگام کشتار فامیل از عقب به اصابت گلوله کشته شد و نتوانست دیگران را بقتل برساند.

با شنیدن کست جعلی نکات ذیل توجه مرا به خود جلب کرد:

۱ - مرا عجب آمد که چطور یک مادر و یک همسر می‌تواند بدون اینکه کوچکترین رشعه‌ای در صدایش بعد از بیان کشته شدن دو فرزند و شوهرش پیدا شود، نتنها قصه میکند بلکه چنان حرف می‌زند که گویا افسانه ایست که به وی هیچ ارتباط ندارد؟

۲ - گفتار ضد و نقیض در مورد مکان شان وجود دارد، آن مکانی که بیشتر به روز خونین دشت کربلا شباهت دارد نسبت به قصر ریاست جمهوری، که قابل فهم نیست.

قصه خانم، به یک افسانه شباهت دارد، که گاهی از بودن شان در اطاق بالا، گاهی در هال و گاهی هم از اطاق پائین حرف می‌زند و چیزیکه زیادتیر در این افسانه قابل توجه است که این شخص افسانه گو

با وجودیکه می گوید اطاق شان از اطاقی که شهید داؤد خان و همراهانش در آن بودند مجزا بود، اما می بیند که در آن جا چه می گذرد؟

۳ - در صورتیکه خانم هفت گلوله خورده و معلومدار کسیکه این چنین تیرباران شده باشد خون ریزی شدید می داشته باشد و در اثر خونریزی بیهوش شده می باشد، چطور توانسته که نقطه به نقطه، ذره به ذره و عینه به عینه حوادث را به این وضاحت قصه کند؟ حتی دقایق را.

۴ - این حکایت آقای ملکیار به افسانه سرمگسک تبدیل شده است و میثاق غلط بودن و ریا کاری آقای ملکیار در این است که خواسته به این قصه جنبه درست بودن بدهد، اما باز هم به خطا رفته است، دیده می شود که قصه گوی متذکره زندگی روزمره و روابط فامیلی و بگو مگو های روزمره زندگی را چنان قصه می کند که از حقیقت بعید است که یک خانم محترم دردمند که نورچشمان خود را که دو دخترش بوده و همچنان مربوط به یک خانواده بزرگ بود به این سهولت با خنده و به زبان بسیار عامیانه به شاخی باد کند.

همه سوال برانگیز است؟

۵ - در سفسطه نوشتن های قبلی اش داود ملکیار می گوید که داود خان خود را کشت در حالیکه در این بگو مگوی ساختگی گفته می شود که داؤد خان با دست های کثیف کمونیست ها شهید شد.

۵ - از طرز سوال نمودن مستنطق حقسقال که همانا آقای ملکیار است، غلط بودن این مصاحبه واضح و آشکار است. خلاء ها زیاد است و باید همه دست بدست هم بدهند و این افسانه ساز را که جهت دشمنی شخصی و شاید هم چیز های دیگری باشد که از آن آگاهی نداریم و یا اینکه خوش خدمتی به پرچمی ها و خلقی ها می باشد؟ و هر دلیل ایکه است وی را آرام نگذارند.

بالاخره نتیجه گرفته می شود که هیچ عقل سلیم قبول کرده نمی تواند که گفتار ثبت شده از خانم محترم مرحومه گللالی جان داؤد باشد، این آقا نتنها تاریخ را تحریف می کند، بلکه روح و روان گللالی جان داؤد را نیز نا آرام می سازد و این یک گناه بس بزرگ و نابخشودنی است.

چیزی دیگری که قابل سوال است این است که در زمانیکه کودتای منحوس هفتم ثور رخ داد سفارت های همه کشور های جهان در افغانستان فعال بودند و همچنان نمایندگی رسانه های ممالک شرق و غرب در افغانستان موجود بود. در این پنجاه سال همه رسانه های جهان چه از طریق رادیو ها چه از طریق اخبار موضوعات مربوط به افغانستان را دنبال می کنند.

چه دلیل است که هیچ کدام این رسانه ها این خبر به این مهمی را به گوش جهانیان نرسانند؟

چرا آژانس تاس این خبر را پخش نکرد تا روی سیاه نوکران کرملین را اقلأ در همین موضوع سفید بسازد؟

چرا بی بی سی این خبر به این مهمی را کتمان کرد؟

چرا پاکستان که دشمن شهید داود خان بود از نشر این خبر آبا ورزید؟

چرا ها و سوال های زیاد وجود دارد که باید همه کسانی که توان نویسندگی دارند و در ممالک آزاد بسر می برند، مخصوصاً آن وطن دوستانی که پا به سن گذاشته اند، از وضاحت دادن به این موضوع دریغ نکنند و وظیفه ایمانی، وجدانی و میهنی خود را در قبال کشور، نسل جوان و ارواح آن شهیدان انجام دهند.